

عوامل سلب توفیق انسان در امور معنوی و مادی

استاد راهنما: لیلا قربانی^۱

گردآورنده: عارفه قاسمی^۲

چکیده

در این مقاله سعی شده است زمینه‌های مختلف محروم شدن از برخی نعمت‌های دنیوی و امور عبادی مانند نماز، قرآن و... ریشه‌یابی شده و عوامل سلب توفیق مورد تجزیه و تحلیل روایی قرار گیرد. در این اثر امیال طبیعی، انجام گناهان فردی، ناامیدی، سستی و تنبلی، بی‌نظمی، جهل، دنیاطلبی، محیط زندگی و خانواده و وراثت را جزء مهم‌ترین عوامل سلب توفیق دانسته و این قبیل از امور عامل محروم شدن از لذت بسیار از عبادت، بی‌برکتی زندگی دنیوی، محروم ماندن از شفاعت اولیای الهی و عدم تربیت صحیح فرزندان عنوان شده است.

کلیدواژه: عوامل، سلب، توفیق، معنوی

مقدمه

چه بسیار افرادی که ثروتمند هستند و خرج‌های بیهوده دارند اما در مواردی که اجر و پاداش دارد مانند کمک به مستمندان و دستگیری از بیچارگان و یا در امور خیریه مصرف نمی‌کنند با این که دست و دل باز هستند و بخیل نیستند و یا این که در اول وقت کاری ندارد بدون عذر نمازش را به تأخیر می‌اندازد و از فضیلت اول وقت خود را محروم می‌نماید و یا موقع فضیلت نماز شب را درک می‌کند و بیدار است اما به خود اجازه خواندن نماز شب را نمی‌دهد و... یعنی با داشتن

^۱ - استاد روش تحقیق حوزه علمیه صادقیه

^۲ - طلبه پایه سوم، حوزه علمیه صادقیه

امکانات و وجود مقدمات اما موفق به انجام کار خیر نمی شوند. این ها همه حکایت از یک معنا دارد و آن نداشتن توفیق است. توفیق الهی موهبتی است که خداوند به انسان عطا می کند و البته به هر کسی عطا نمی کند. رسیدن به نتیجه ی مطلوب (توفیق) موانعی دارد. باید عوامل سلب توفیق را شناخت و به کمک این شناخت سعی در رفع آن ها کرد. بنده به دلیل علاقه ای که داشتم این موضوع را انتخاب کردم و در این مقاله به زمینه های سلب توفیق و عوامل مشترک اختصاصی سلب توفیق پرداختم.

معنی توفیق

وفق: یعنی مطابقت و همسانی میان دو چیز، فرمود:

«جَزَاءٌ وَفَاقًا» (النبا: ۲۶) پاداشی برابر، «وَأَقَقْتُ فَلَانًا وَوَأَقَقْتُ أَمْرًا» با او و آن کار موافقت

کردم و مصادف شدم، اتِّفَاق: مطابقت کار انسان با تقدیر و قضا و قدر که هم در خیر و هم در شر بکار می رود، می گویند چنین اتفاق افتاد، یا برای او اتفاق چیزی رخ داد و یا اتفاق بدی.

اما تَوْفِيق که در همان معنی است برای کارهای خیر و نیک بکار می رود در آیه:

«وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» (هود: ۸۸) تَيْفَاق و مَيْفَاق هر دو معنی زمان رخ دادن حادثه و اتفاق.

أَتَانَا تَيْفَاقَ الْهَلَالِ: موقع رؤیت هلال بر ما وارد شد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۴: ۴۷۱).

وَمَا أَصَبَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ هر مصیبتی به شما رسد بخاطر

اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند (شوری: ۳۰).

معنای لغوی: موافقت دادن، موافق گردانیدن اسباب، دست یافتن به کاری، کارسازی، و

تأیید الهی است (معین، ۱۳۷۵، ۱: ۱۱۶۸).

تعریف توفیق

توفیق یعنی خدای سبحان، پیمودن راه را برای انسان آسان‌تر کند؛ چه از طرف مثبت که همان صراط مستقیم است و چه از جانب منفی که کج راهه است. آن جایی که خداوند به کسی توفیق می‌دهد، به این معناست که گرایش قلبی او به سمت امور خداپسند، آسان‌تر می‌شود و اسباب و علل حرکت در این مسیرها، برایش فراهم‌تر می‌گردد و معارف را بهتر درک می‌کند و راحت‌تر عمل می‌کند؛ البته این به معنای آن نیست که راه گناه برای او بسته است - و الا جبر به وجود می‌آید - بلکه گناه کردن برای وی سخت است.

هر عمل خیری جز به توفیق و عنایت حق از انسان سر نمی‌زند و شاید در آینده به واسطه‌ی ترک شکرگذاری، دیگر به او توفیق نفرماید بلکه شاید مورد خذلان واقع شود و گناهی از او سر زند که سبب ضایع نمودن اعمال گذشته‌اش شود (دستغیب، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵).

توفیق الهی نیاز انسان

توفیق الهی یکی از نیازهای هر فرد مؤمن است؛ زیرا اراده و قدرت بر انجام امور خیر، علت تامه برای تحقق آنها نیست.

برای تحقق کارهای پسندیده - گذشته از تصمیم و توانایی - احتیاج به توفیق الهی نیز دارد و در صورتی که توفیق خداوند فرد را یاری نکند، امکان انجام کارهای خوب وجود ندارد. خداوند از قول حضرت شعیب می‌فرماید که او به قوم خویش چنین فرمود: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» من اراده ندارم مگر اصلاح را به قدری که استطاعت دارم و توفیق ندارم مگر به کمک خداوند (هود: ۸۸).

نکته ی قابل توجه در آیه این است که آن چه که زمینه ساز دریافت توفیق الهی ذکر شده:

اولاً: اراده و خواست قلبی و محکم،

ثانیاً: طالب اصلاح بودن،

ثالثاً: به کارگیری تمام توان و قدرت و استطاعت می باشد.

سلب توفیق چیست؟

عکس توفیق، حالت بی توفیقی است؛ یعنی به واسطه ی گناه پی درپی، گرایش قلبی انسان

به سمت امور ناپسند، آسان می شود.

چنین فردی، راحت دروغ می گوید؛ راحت به نامحرم نگاه می کند و با سختی، معارف الهی

را می فهمد و عمل می کند؛ نسبت به مسائل معنوی، بی میل است؛ ترک گناه برای او سخت می شود

و اذعان دارد که دلم می خواهد گناه نکنم؛ ولی نمی توانم!

پیامبر(ص) می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ»

یاد آوری بغض و إنزجار خداوند از ناسزاگوی آگاه و ناآگاه، در حقیقت تنبیهی، و

هشدار است بر اینکه سلب توفیق انجام نیکی و عدم بخشش الهی در باره او همان مبعوض

داشتن اوست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴).

زمینه های سلب توفیق

۱. زمینه های درونی

الف) امیال طبیعی

اگر امیال انسان تحت سیطره‌ی عقل و وجدان او نباشد موجب انحراف او و سلب توفیق معنوی از او می‌شود.

(ب) وسوسه های شیطانی

شیطان دشمن بزرگ و آشکار بشر است و البته این بشر است که دعوت او را اجابت می‌کند و شیطان فقط دعوت‌کننده است.

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَنِ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: «خداوند به شما وعده حق داد و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنا بر این، مرا سرزنش نکنید خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافر!» مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند (ابراهیم: ۲۲).

بار خدایا ما را در رشته دشمنان شیطان قرارده و از شمار دوستانش بر کنار فرما که او را پیروی نکنیم هر گاه فریبمان دهد، و اجابتش ننمائیم هر گاه بخواند، هر که فرمان ما را پیروی کند به دشمنی شیطان امر کنیم، و از پیروی او دور داریم کسی را که نهی ما بپذیرد (الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ، ۱۳۷۶ ش ۱: ۱۲۳).

همانا شیطان را سرمه و قاووت و آب دهان است. و اما سرمه او خواب و قاووت وی خشم و آب دهانش دروغ می‌باشد (صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، ۱: ۱۲۴).

«ممکن است یک نظر به نامحرم یا یک لغزش کوچک لسانی، مدت‌ها انسان را از سرایر و حقایق توحید باز دارد و از حصول جلوات محبوب و خلوات مطلوب که قره العین (نور چشم) اهل معرفت است، باز دارد»

ی) عوامل محروم ماندن از شفاعت

شرک و ظلم، دشمنی با اهل بیت، سبک شمردن نماز، از عوامل محروم ماندن از شفاعت است.

۲. عوامل اجتماعی سلب توفیق

الف) عوامل بی‌توفیقی در تربیت خانواده

احساس بی‌مسئولیتی والدین، بی‌برنامگی و روش‌های نادرست، حرام خواری، آلودگی محیط خانه به گناه از عوامل بی‌توفیقی والدین در تربیت خانواده و فرزندان است باید والدین خود و محیط را برای تربیت صحیح فرزندان آماده کنند.

یکی از اموری که در توفیق یافتن انسان دخالت زیادی دارد و شرط موفقیت در کارها بالاخص در کارهای بزرگ است، حوصله و صبر زیاد است. کم حوصلگی و کم صبری مانع است که انسان در یک کار مفید که متناسب با استعداد اوست مداومت کند؛ همه کارها را ناقص می‌گذارد و دائماً از این شاخ به آن شاخ می‌پرد و از این کار به آن کار رو می‌آورد و در نتیجه هیچ کاری را به‌طور کامل انجام نمی‌دهد (مطهری، ۱۳۸۴، ۱۷۲:۲۲).

نتیجه

گناه وسیله‌ی دوری از خدا و سلب توفیق است. ما انسانها آفریده خدا هستیم و قدرت و اختیار ما نیز از ناحیه خدا است. اما این را که از قدرت و اختیارمان چگونه استفاده کنیم، خداوند به خود ما واگذار کرده است. حال اگر از قدرت و اختیارمان خوب و درست و در راه رضای خدا استفاده کنیم، خداوند پاداشی به ما می دهد و اسباب هدایت و توفیق در این زمینه را فراهم می کند اما اگر از قدرت و اختیارمان خوب و درست و در راه رضای خدا استفاده نکنیم و در راه نادرست و گناه و نافرمانی استفاده کنیم، مجازات می شویم و بی توفیقی و خذلان نصیبمان می گردد و اسباب و زمینه های کسب توفیق را از دست می دهیم.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: انصاریان.
۳. الصحيفة السجادية، ترجمه و شرح: فیض الإسلام.
۴. نهج الفصاحة، ترجمه: ابوالقاسم پاینده.
۵. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ترجمه: حجازی.
۶. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۷. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: جنتی، چاپ اول، تهران، مؤسسه امیر کبیر، ۱۳۸۲ ش.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۹. دستغیب، محمد هاشم، گناهان کبیره، چاپ مصحح سوم، قم، دارلکتاب، ۱۳۸۴.
۱۰. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ترجمه: رضایی، تهران، اسلامیة.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار: ترجمه عطاردی، چاپ اول، تهران، عطارد، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ترجمه: میرباقری، چاپ دوم، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵ ش.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، تحفه الأولیاء، ترجمه أصول کافی، چاپ اول، قم، دار الحديث، ۱۳۸۸ ش.

۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ترجمه: موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر، ۱۳۶۴ ش.

۱۶. مستغفری، جعفر بن محمد، روش تندرستی در اسلام، ترجمه طب النبی وطب الصادق علیهما السلام، چاپ سوم، قم، مومنین، ۱۳۸۱ ش.

۱۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ دوم، تهران، صدرا، ۱۳۸۴.

۱۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ نهم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.

۲۰. نصر بن مزاحم، پیکار صفین، ترجمه: پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.

۲۱. هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه کتاب سلیم بن قیس هلالی، چاپ اول، قم، نشر الهادی - ایران، ۱۴۱۶ ق.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.